



زیر نظر شورای سردبیری خبرنامه داخلی

حزب اراده ملت ایران

تهیه و تنظیم از شاخه جوانان حامای اهواز

سال دوم، دوره چهارم، شماره چهارم، مسلسل ۱۷، مهرماه ۹۷

# خبرنامه داخلی حاما

بچ زیربنای اجتماعی از آن زیر نظرناگترینست که انسانی یا انسانهایی بتواند هر چه می خواهند بکنند، بی آنکه بشود آنها نخرده گرفت و بی آنکه بشود از آنها بازخواست کرد. مسئولیت در جامعه اسلامی مسئولیت مقابل است.

## تسهید بهشتی



### دو ابر چالش جریان اصلاحات

امروزه جریان اصلاحات با دو چالش بزرگ دست و پنجه نرم میکند ، چالش اول در اصطلاح از نوع خارج جریانی و چالش دوم از نوع چالش های درون جریانی است.

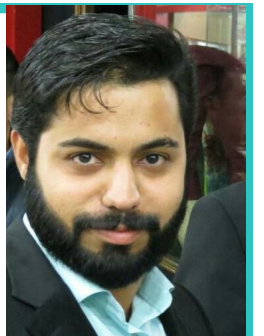
چالش اول عدم اعتماد پیشین مردم و توده ها و جریان های اجتماعی سطح کشور مانند اتحادیه ها، انجمن های صنفی کارگری و فعالین دانشجویی به جریان اصلاحات است . ساده تر بخواهیم بیان کنیم مردم نسبت به اصلاحات ناامید شده اند، و جریان اصلاحات توانسته است بعد از حدود ۲۱ سال از دوم خرداد ۱۳۷۶ به خواسته های به

حق مردم و جامعه مدنی جامه عمل بپوشاند . جریان اصلاحات از اهداف تعیین شده خود در ابتدای شکل گیری بسیار دور شده است و حمایت از جنبش های اجتماعی و مدنی جای خود را به کسب مقام و موقعیت های اقتصادی زیر چتر حمایت های سیاسی داده است. اما "به اصطلاح" بزرگان این جریان هنوز بر این باورند که مشکل اول مشکلی غیرقابل حل و اساسی نیست زیرا که توده های مردمی و جامعه مدنی هنوز آلترناتیوی برای جایگزین کردن با اصلاحات مدنظر ندارند و فعلا مجبور به ادامه اصلاحات به همین شکل هستند البته عده ای هم داخل جریان برعکس " به اصطلاح" بزرگان سخنان دیگری بیان می کنند برای مثال احمد زید آبادی اخیرا در یکی از مصاحبه هایشان گفتند : آینده ای برای جریان اصلاح طلبی نمی بینم . با تمام این بله و خیرها و نظرات بزرگان و غیر بزرگان ! به نظر نویسنده، اصلاحات نه رو به سوی نابودی بلکه رو به سوی افول دارد. و تفاوت در این است که افول را می توان کنترل کرد و آن را دوباره به شکوه و طوع با عزم خود برگرداند ولی نابودی را نه! نابودی افولی قطعی و دائمی است که

امیدی به روشنایی دوباره در آن نیست. و اما چالش دوم جریان اصلاحات : هسته مرکزی جریان اصلاحات اخیرا و بعد از تشکیل شورای عالی سیاستگذاری که در حقیقت برای ساماندهی انتخاباتی جریان تشکیل شده بود بسیار نیازمند ترمیم است نه اینکه قبل از تشکیل شورا مشکلی نبوده و همه چیز بسیار عالی بوده باشد بلکه بعد از تشکیل این مشکلات تشدید پیدا کردند و افراد و احزاب تاثیر گذار بجای هماهنگی با یکدیگر برای قدم در راه تعالی اصلاحات تیشه به ریشه یکدیگر میزند و کار حزبی و تشکیلاتی را رها و بر سر بدست آوردن کرسی های ریاست و نمایندگی دعوی داخلی راه می اندازند . ماجرا از انتخابات اسفند ۹۲ شروع شد ، شورایی تشکیل شد که هماهنگی های مربوطه بین احزاب برای بستن لیست نهایی انتخابات را بدست بگیرد ، از همان ابتدا اختلافات برای افزون افراد بیشتر هر حزب داخل لیست جای خود را به همدلی و همراهی داد و بر خلاف رفتار و منش اصلاح طلبانه ریاست شورا هم به صورت دائمی انتخاب شد. تعداد اعضای نابرابر با حق رای از احزاب در شورا هم یکی از مشکلات است که باعث میشود افراد داخل لیست بیشتر از احزایی باشند که عضو دارای حق رای بیشتری داخل شورا دارد و البته مهمترین عاملی که شورای سیاستگذاری را فاقد صلاحیت جلوه می دهد افراد حقیقی با حق رای حاضر در شورا است که کاملا هدف جریان که برابر با تعالی احزاب در کشور است را زیر سوال می برد برای مثال در آخرین جلسه شورای مذکور حدود ۲۶ شخصیت حقوقی ( دبیران کل و نمایندگان احزاب اصلاح طلب ) و ۲۹ شخصیت حقیقی حضور داشتند که در نوع خود میتواند فاجعه ای برای حرکت رو به جلو احزاب در کشور باشد . تمامی این مشکلات که موارد متعدد دیگری را هم میتوان برایش ذکر کرد باعث شد لیست های امیدی تشکیل شود که باقیمانده امید مردم به جریان اصلاحات را نا امید کند . اما در میان تمام این نا امیدی های داخلی جریان احزابی همچون اراده ملت ایران ، اعتماد ملی و مردم سالاری طرحی با عنوان پارلمان اصلاحات را در شورای هماهنگی به تصویب رساندند . در حقیقت پارلمان اصلاحات یک نهاد بالادستی برای شورای عالی سیاستگذاری است که در جایگاهی بالاتر از شورای عالی به رفع نواقص و مشکلات این شورا و به طور کلی جریان اصلاحات کمک شایانی خواهد کرد . در طرح پارلمان اصلاحات احزاب مدنظر قرار داده شده و نه اشخاص به همین دلیل عدالت محوری تشکیلاتی به صورت یک اصل در این طرح قرار گرفته است و دیگر اشخاص حقیقی نمی توانند افراد مورد نظر خود را به لیست های انتخاباتی القاء کنند و مهمترین درسی که تک تک افراد فعال سیاسی و مدنی جریان اصلاحات از این طرح می توانند برداشت کنند این است که حتی افراد سرشناس جریان هم برای قرار گرفتن در لیست های انتخاباتی یا نظر و رای دادن در تصمیمات مهم جریان اصلاح طلبی باید به عضویت احزاب درآیند ، بدین ترتیب فرد محوری بدون تشکیلات مشخص که آفت بزرگی در جریان اصلاحات است رفع خواهد شد و احزاب داخل جریان اصلاحات به جایگاه واقعی خود خواهند رسید .

محمد مهدی تقی لو از حامای قم

### ایران بدون بازنشستگان



طرح ممنوعیت بکارگیری بازنشستگان که با ۱۹۴ رای موافق از ۲۴۰ نماینده حاضر در جلسه به تصویب رسیده تنها اجازه به کارگیری بازنشستگان بندهای الف، ب و ج ماده ۷۱ قانون مدیریت خدمات کشوری که شامل روسای سه قوه، معاون اول رییس جمهور ، نواب رییس مجلس ، اعضای شورای نگهبان، وزرا، نمایندگان و معاونان رییس جمهور هستند را می دهد و مشمولان بندهای د و ه را که شامل استانداران و معاونان استانداران همپراز سفرا و معاونان وزرا هستند را از قانون حذف کردند.

تبصره یک : بکارگیری بازنشستگان در سمتهای مذکور در بندهای الف ، ب و ج ماده ی ۷۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۸ مهر ۱۳۸۶ و همچنین بکارگیری بازنشستگان نیروهای مسلح با تدابیر فرماندهی معظم کل قوا صرفا در دستگاه متبوع خود مجاز است . بکارگیری بازنشستگان در وزارت اطلاعات یک درصد از مجموع نیروهای شاغل رسمی این وزارتخانه در هر رده مدیریتی صرفا در وزارتخانه مذکور مجاز هستند. دارندگان اجازات خاصه مقام معظم رهبری ، جانبازان بالای ۵۰ درصد ، ازادگان بالای سه سال اسارت و فرزندان شهدا از شمول این قانون مستثنی هستند. اما برای کشوری که بخش عمده ای از جمعیت آن در سن جوانی قرار داشته و تحصیلات عالی دارند این اقدام حتما مفید خواهد بود.

جوانان از انرژی بالاتر و نیروی بیشتری برخوردار بوده مشروط به اینکه از شایستگی انتخاب شوند که با درک بهتر از مقتضیات امروز ایران و جهان بهره وری و کارایی بهتری داشته باشند. اما به یک نکته کلیدی نیز می بایست توجه کرد . این اصلاحیه حتما در کنار یک سامانه کارآمد در ساختار اداره کشور می تواند معنای لازم را بدهد و گرنه ممکن است مانند دولت قبل ، شرایط را به مراتب بدتر کند. نمی توان گفت صرفا با اصلاح قانون منع بکارگیری بازنشستگان شکل مدیریتی کشور حل خواهد شد.

متأسفانه قوانین ایران تکه تکه خواهد بود و کمتر ارتباطی میان ارگان ها وجود دارد، سیستم اداری و استخدامی کشور نیازمند آن است که به شکل سلسله مراتبی ارتقا یابند و به تدریج به رای هرم مدیریتی برسند.

اما در سازمان های اداری معمولا ارتباطی میان بدنه و راس وجود ندارد. تغییر راس یک وزارتخانه یا دستگاه ها کمیتی سبب می شود افراد به شکل اتوبوسی از سازمان قبلی آن مدیر به به سازمان جدید نقل مکان کند. منابع انسانی که بعدها جزء رسوبات همان سیستم خواهند بود.

این عارضه به دلیل بها ندادن به تخصص و شایستگی در دهه های گذشته ، کار را به نقطه ای رسانده که امروز ناگزیر از تصویب قانون ممنوعیت بکارگیری بازنشستگان سیستم در صورتیکه در یک سامانه پویا ، به شکل طبیعی این جایگزینی ها صورت می گیرد.

با پیشی گرفتن برخی معیارهای من درآوردی بر تخصص ، عملا سیستم کارشناسی کنار می رود و بطور طبیعی افراد تصور می کنند می توانند همواره در مسوولیت باقی بمانند. اگر سامانه مدیریتی کشور به شیوه انتخاب اصلی از میان کارشناسان همان مجموعه که سلسله مراتب تخصصی راطی کرده و وابسته به فلان جریان و باند مالی نباشند عمل کند افزوده شدن امتیاز جوانی می تواند کامل کننده این حلقه باشد، فقط در این صورت است که از حضور افرادی که به اسم جوانی به یک جریان خاص وابسته بوده و اتفاقا علاقه به طی یک شبه ره صدساله و کسب منافع اقتصادی حتی بیشتر از فلان مدیر سالخورده متخلف هستند جلوگیری کرد.

مناصب مدیریتی یعنی فرصت و فرصت طلبان به شدت به دنبال به دست آوردن آن هستند. در بین جوانان نیز اینگونه افراد وجود دارند. مدیریت جوانان حتی برکات فراوانی دارد اما برای این صفت جوانی، صفاتی چون شایستگی نیاز است تا در کنار درک درست جوانان کارشناس و شایسته از اقتضائات روز جهان، جامعه با حضور این جوانان با نشاط شود.

فراموش نکنیم مطالبه جامعه ی ما فقط جوانگرایی نیست بلکه شایسته سالاری است. متأسفانه در بین برخی جویندگان کار افرادی حضور دارند که علاقه مند به انتساب به افراد خاص هستند چرا که معتقدند تنها در این صورت است که می توانند امیدوار به کسب مدارج مدیریتی شوند. در این منظومه ی فکری منافع ملی و توسعه کشور هیچ جایگاهی ندارد.

پیشنهاد نگارنده این است که در کنار اصلاح این نوع قوانین، مجلس و سازمان امور اداری و استخدامی معیارهایی برای استفاده از شایستگی جوان تدوین و به طور جدی آنها را عمل کند.

در غیر این صورت ممکن است به جای بازنشستگان ناکارآمد ، جوانان فرصت طلبی به سر کار آیند که بدون طی تدوین مراحل کارشناسی و سلسله مراتب مدیریتی، تهدید تازه ای برای سیستم اداره ی کشور شوند.

علی جمشیدی

## زن و قدرت

### ریحانه رهبری از حامای اهواز



از قدیم بارها شنیده‌ایم که پشت هر مرد موفق یک زن وجود دارد.

اما تاریخ را که بررسی کنیم متوجه میشویم چندان هم زنان پشت مردان و در حاشیه قرار ندارند بلکه در هر انقلاب و جنگ و هر اتفاق بزرگی زنانی وجود داشته اند که تاثیر بسزایی داشتند و خودشان نیز صحنه گردان بوده‌اند و در کنار مردها دوشادوش زحمت کشیده و یا جنگیده اند، از \*جنگ جهانی دوم\* در سپتامبر ۱۹۳۹ گرفته تا

\*انقلاب مشروطه\* ۱۲۸۳ شمسی و...

در جنگ جهانی دوم که میلیون ها تن را درگیر خود کرد و به تنهایی بیش از ۷۰ میلیون نفر را به کام مرگ کشید و موجب آوارگی میلیون ها نفر شد، بیش از هر کس زنان قربانی شدند.

زنان بسیاری بودند که در ارتش خدمت می کردند و عمدتاً در خدمت نیروهای هوایی و دریایی ارتش کشورهای مختلف بودند و بسیاری از آنان مدارج بالای لشکری را کسب کردند. همچنانکه افسران زیادی را در طول جنگ جهانی دوم زنان تشکیل می دادند و مستقیماً رهبری نیروها را در خطوط مقدم بر عهده داشتند. در منابع گوناگون روایت شده تنها در اتحاد جماهیر شوروی، حدود ۸۰۰,۰۰۰ زن در واحدهای ارتش در طول جنگ خدمت کردند. در این میان برخی از زنان نیز با نفوذ و جاذبه زنانه خود به جاسوسی در جبهه دشمن می پرداختند و از این طریق به کشور خود خدمت می کردند به طوری که موفق ترین جاسوسان آن دوران را زنان تشکیل می دادند.

قدرت و برندگی زن به مثابه یک شمشیر دو لبه میماند، از یک سو میتواند چنان زنانگی کند که همه ی اعتمادها و انرژی ها را برانگیخته کند به سمت خویشتن خویش و از سوی دیگر میتواند چنان قدرتی را از خود نشان دهد که هم رده مردان در صفوف اول جنگ قرار گیرد و از هر مردی مردانه تر بچنگند.

در عصر قاجار زنان حق تحصیل نداشتند و تنها دخترهایی که تمکن مالی داشتند میتوانستند راهی مکتب خانه شوند و سواد در حد قرآن خواندن بیاموزند، در باور عموم سوادآموزی زنان مخالف اسلام و خطری برای جامعه قلمداد میشد و این باور از سوی روحانیون مورد تاکید قرار میگرفت، باسواد بودن زنان چنان ننگ و بی آبرویی محسوب میشد که زنانی هم که باسواد بودند این قضیه را پنهان می کردند.

جنسیت زن را خفیف و ناچیز می شمردند تا آنجاکه به مثابه یک کالا از آنها بهره کشی میشد اما در قالب ازدواج، ازدواج در سنین کودکی امری رایج بود، شوهر میتواند هر موقع که بخواهد همسرش را طلاق دهد و میتواند بیش از یک همسر اختیار کند و دختران به هیچ وجه حق مخالفت با این امر را نداشتند زیرا مخالفت باهر کدام از این قوانین، الحاد و مخالفت با دین اسلام تلقی میشد. آنها حق رای نداشتند و نمی توانستند هیچ منصب سیاسی اختیار کنند.

در چنین شرایط خفقان آوری برای زنها بود که با آغاز حرکت مشروطه خواهی، زنانی که تا پیش از این برای خارج شدن از خانه با محدودیت روبرو بودند با باز شدن فضای سیاسی و اجتماعی کشور از پستوی خانه ها خارج شدند و به خیابان ها آمدند و به جمع مشروطه خواهان پیوستند. البته پیش از این اولین حرکت های خود را با حضور در جنبش تنباکو و شورش برای قحطی نان در سال ۱۲۷۷ تجربه کرده بودند اما با شروع حرکت مشروطه خواهی جدی تر و پررنگ تر از همیشه پا به میدان گذاشتند. در حرکت هایی چون تلاش برای آوردن علما به مسجد برای سخنرانی های روشن گرایانه گرفته تا تحصن و شرکت در جبهه های نبرد با مردان همراه بودند.

انها هنگام محاصره یازده ماهه تبریز در پشت جبهه ها غذا می پختند و جوارب میافتنند و پوکه ها را پر میکردند و به مداوای زخمی ها میپرداختند، شب نامه پخش می کردند و برخی از آنها با لباس مردانه می جنگیدند و کشته می شدند. دستاورد مهم و تاریخی زنان در جنبش ملی مشروطیت آن بود که آنان از محیط های بسته خانگی و از ورای دیوارهای اندرونی ها برای اولین بار بیرون کشیده شدند و در امور خارج از خانه، در مسایل غیر سنتی و غیر مرسوم زنانه و در زندگی اجتماعی شرکت کردند و توانستند مسئولیت اجتماعی را حس و تجربه کنند، حاصل آن رشد تمایل جدید و نیرومندی بود برای "دیدن شدن" و "به حساب آورده شدن" که آثار آن بلافاصله پس از سال ۱۲۸۵ در ایجاد انجمن ها و سازمان های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زنان و متعاقباً تاسیس و گسترش مدارس زنانه، فعالیت های مطبوعاتی، انتشار مجلات مشاهده می شود، تا بدین ترتیب اولین پایه های جنبش اجتماعی زنان برای دستیابی به حقوق برابر و رفع ستم جنسیتی پایه ریزی شود.

یکی از انجمن هایی که در آن دوره در این راستا فعالیت های مخفیانه زیادی انجام دادند انجمن حریت نسوان یا انجمن آزادی زنان بود که هدف از تشکیل این انجمن توسط صدیقه دولت آبادی، منیره خانم، افتخار السلطنه و تاج السلطنه (دختران ناصرالدین شاه) و... این بود که زنان را با آداب معاشرت و حضور در جامعه آشنا کنند و اعتماد به نفس آنان را برای سخن گفتن در برابر جمع، به ویژه وقتی مردان حضور دارند بالا ببرند. در این انجمن هم زنان و هم مردان عضو بودند و در جلسه ها شرکت می کردند، اما برای ایجاد اعتماد به نفس در زنان، فقط اعضای زن اجازه داشتند در جلسات سخنرانی کنند.

روزگار تلاشهای خردمندان و قدرتمندان زیادی از زنان را به خود دیده و در هر جای دنیا زنانی وجود داشته اند که برای احقاق حقوق زنان و ترسیم نمایی حقیقی از شان و جایگاه زن تلاش ها و از خودگذشتگی ها کرده اند و هزینه ها داده اند. زنان در هر جای جهان مرهون اراده و همت این زنانند. زنانی که با ایستادگی و شکیبایی خود، چهره ی باشکوه تری از زن را به نمایش گذاشته اند بانوان در بندی چون نرگس محمدی ها و نسرين ستوده ها ...



## از گوشه و کنار حزب:

دومین و سومین شماره هفته نامه اراده ملت، ارگان خبری تحلیلی حزب اراده ملت ایران منتشر شد.

شماره اول فصلنامه خاطرات سیاسی منتشر شد. سردبیری این نشریه بر عهده دکتر حسن اکبری بیرق است.

جمعی از اعضای شاخه جوانان حزب از سراسر کشور با دکتر فرید موسوی رئیس فراکسیون جوانان مجلس دیدار کردند.

اردوی دو روزه جوانان در حوزه مباحث بنیادین در همدان برگزار گردید. در این اردو مباحثی در باب هستی شناسی، روانشناسی رفتاری، جامعه شناسی احزاب، روابط بین الملل و اقتصاد سیاسی مورد تدریس و بحث قرار گرفت.

شاخه جوانان حامای دفتر اهواز مسئولیت تهیه، تدوین و انتشار خبرنامه داخلی حزب را بر عهده گرفت.

رضوان سلماسی وارد هیات رئیسه شورای شهر همدان شد. وی همزمان ریاست کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر را بر عهده دارد.

احمد تنوری رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر شیراز شد. وی سال قبل رئیس کمیسیون حقوق شهروندی شورا بود. حمید خاوری زینی رئیس خانه احزاب استان همدان شد. استان همدان دوازدهمین استانی است که خانه احزاب آن راه اندازی شده است. اعضای حاما پیشتر در استان های زنجان و لرستان و سمنان به هیات رئیسه خانه احزاب راه یافته بودند.

رضا قاسم پور مدیر هنرستان دستغیب البرز شد. ایشان عضو هیات رئیسه خانه احزاب در استان زنجان می باشند.

نشریه جامعه فرهنگ با مدیریت شهرام زمانی دبیر حزب در دفتر تبریز به شماره ۱۵ رسید. این نشریه دوزبانی و به زبان های فارسی و ترکی است.

دکتر انصاری عضو هیات اجرایی دفتر گرگان به عنوان مدیر بیمارستان آق قلا منصوب شدند. ایشان دکترای مدیریت سیستم های خدمات بهداشتی دارند.

محمد امین خدایی دبیر شاخه جوانان حزب در دفتر اردبیل توانست شماره دوم نشریه خود به نام ساوالان بیرلیکی را منتشر کند. دفتر تاکستان حزب در استان قزوین راه اندازی شد. مسئولیت این دفتر حزب بر عهده عباس محمدی است.

سومین مجمع عمومی مردوشت برگزار شد. این شهرستان سه سال متوالی است که مجمع عمومی خود و مجمع عمومی ساخه جوانان خود را بطور منظم برگزار میکند.

دفتر درگز حزب در استان خراسان رضوی در حال راه اندازی است. آقای گلبو مسوولیتی راه اندازی این دفتر را بر عهده دارد.

نهمین کنگره سراسری حزب در تاریخ ۲۷ مهرماه برگزار خواهد شد. اولین کنگره حزب سال ۱۳۷۸ برگزار شده است. همزمان با کنگره، مجمع عمومی حزب برگزار خواهد شد و اعضای حاضر برای تکمیل کادر شورای مرکزی دست به انتخاب خواهند زد.

چتر؛ سوراخ است



نگاهی به آسمان انداختم، چه غریبانه می بارید

گمان بردم چترم سوراخ است وقتی برای اولین بار قطره ی درشت و گرمی روی گونه ام لغزید.

تا مدت زمان کوتاهی که از گونه ام سر خورد و رسید به لبهای خشکم و طعم شورش را در دهانم مزه کردم گمان می بردم چترم سوراخ است.

تا مدت زمان کوتاهی که از میخيله ام عبور کرد این نکته که

باران شیرین است و این قطره شور بود گمان می بردم چترم سوراخ است.

چند قدمی رفته و سپس بازگشتم و پشت سرم را نگاهی انداختم

سرم را بالا گرفتم تا چشم کار می کرد ساختمان بود

این بیست و یکمین شرکتی بود که برای کار می رفتم ولی چه محترمانه جوابم میکردند

گمان نکنم در این شهر دیگر شرکتی وجود داشته باشد که نرفته باشم و همگی جوابشان یک چیز بود: آقا متأسفیم، ما به مدرک کار نمی دهیم، مدرک را تنها میشود گذاشت دم کوزه و ایش را خورد، ما به سابقهی کار، کار می دهیم

پس باید من و مدرکی که روی دوشم سنگینی می کرد برویم خانه و با مادر سبزی پاک کنیم.

به ایستگاه اتوبوس رسیدم، نشستم و منتظر.

باران همچنان می بارید و چه بی رحمانه می بارید و هجوم ناشیانه ی خاطره ها.

برای لحظه ای تمام گذشته ام را مرور کردم ....

آن در پوست خود نگنجیدنی که وقتی مهندسی برق شریف قبول شدم

آن درس ها و واحدهای سختی که یکی پس از دیگری گذراندم

آن دعوت نامه ی بورسیه ی خارج از کشوری که با رویای خدمت به کشورم از آن گذشتم

آن کارگری کردن ها در تابستان های گرم بندر که برای تحقیق و پایان نامه ام شاهد فروخته شدن النگوی مادر نباشم آن همه شب بیداری کشیدن ها.... اما اینک ماندم و موهای سپیدی که نشان از بالا رفتن سنم بود.

من ماندم و مدرک دکترای مهندسی برق از دانشگاه شریف.

من ماندم و چشمهایی که شاهد ازدواج دختر مورد علاقه ام بودند به خاطر اینکه با مدرکم حتی توان خرید یک حلقه را نداشتم

من ماندم و کیف پولی که تنها یک کارت اتوبوس در آن به چشم می خورد چون مدرکم در کشورم قادر به تولید پول نبود.

من ماندم و رویای خدمت به کشوری که مرا پس می زد.

من ماندم و رویای پیشرفت اقتصاد و کاهش تورم کشوری که جایی برای تخلیه رویاهای من نمیگذاشت.

من ماندم و زخم زبان های این و آن که شما میاید سازندگان این مملکت

من ماندم و مغزی که متهم نشد به فرار ولی محکوم شد به بیکاری

من ماندم و ایستگاه اتوبوسی که خالیست و چتری که سوراخ است و بارانی که شور است.

### لیلا بیرونی حامای اهواز

